

نماد اخلاق اجتماعی نهج البلاغه و صحیفه امام با رویکرد بینامتنی

فتحیه فتاحی زاده^۱

فرشته سقا^۲

چکیده: اخلاق اجتماعی کارگزاران موضوعی است که در نهج البلاغه و آثار متأثر از آن، بسیار به آن پرداخته شده؛ از میان آثار متأثر متأخر، کتاب صحیفه امام سفارش‌هایی را از امام خمینی در موضوع اخلاق اجتماعی دولتمردان در بردارد. بینامتنیت، روش مطالعاتی جدیدی در علوم انسانی است که متن‌ها را در یک شبکه ارتباط معنایی نسبت به هم قرار می‌دهد. به طوری که هر متن از یک سو برگرفته از متون قبل از خود است و از سوی دیگر در متون پسین نیز خود را باز می‌تاباند. بررسی سیر تکاملی این روش به نظریه بینامتنیت عربی-فارسی می‌انجامد که در آن روابط بین متن حاضر و متن غایب در سه دسته کلی روابط تعمدی-آشکار، تعمدی-پنهان و ضمنی قرار می‌گیرند که در گونه‌های فرعی تر بلاغی مانند اقتباس، حل، ترجمه، تلمیح، الهام و... نیز قابل تقسیم‌اند. این پژوهش بر آن است که بینامتنیت عربی-فارسی نهج البلاغه را در مجموعه صحیفه امام در موضوع اخلاق اجتماعی کارگزاران بررسی نماید. با تأمل در خوانش دو متن، بیشترین فراوانی به روابط بینامتنی تعمدی-آشکار از گونه حل و سپس به روابط ضمنی از گونه تلمیح تعلق پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اجتماعی، کارگزاران، نهج البلاغه، صحیفه امام، بینامتنیت، تضمین، ضمنی.

E-mail: ffattahizadeh@alzahra.ac.ir

۱. استاد دانشگاه الزهرا

E-mail: fereshtehsagha@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه الزهرا

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۷

پژوهشنامه متین/سال شانزدهم/شماره شصت و پنج/زمستان ۱۳۹۳/صص ۱۵۰-۱۲۷

(۱) بیان مسأله

نهیج البلاغه دومین متن اصیل اسلامی بعد از قرآن کریم، مأخذ و ملهم بسیاری از اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ بوده است. یکی از موضوعات مهم اجتماعی که به طور ویژه مورد توجه و تأکید در *نهیج البلاغه* بوده، اخلاق اجتماعی کارگزاران است. علی^(ع) در هنگام نصب والیان، فرماندهان و مأموران جمع مالیات نکات فراوانی در حوزه اخلاق اجتماعی جهت اصلاح امور مسلمانان و پیاده شدن هرچه بهتر قوانین اسلامی در جامعه مطرح می‌کند.

امام خمینی به عنوان اندیشمندی بزرگ و متخلّق به اخلاق علوی، بعد از انقلاب اسلامی در ایران تلاش کرد تا در کنار حفظ و کنترل کشور، قدمی بس فراتر بردارد و با توجه به آموزه‌های اسلامی راهی به سوی تکامل درونی نظام بازگشاید تا از طریق آن، هم زمامداران راه سعادت طی کنند و هم جامعه به سوی سعادت و کمال هدایت شود. ایشان خطاب به دولتمردان نظام، توصیه‌های اخلاقی فراوانی ارائه کرده که در مجموعه *صحیفه امام* وی باقی مانده است. بنابراین *صحیفه امام* از متون تأثیرپذیر از متن *نهیج البلاغه* به خصوص در این موضوع به شمار می‌رود. امام خمینی در طرح مبانی اخلاق اجتماعی دولتمردان، گاه به طور مستقیم علی^(ع) را الگو و مقتدای خود معرفی کرده تا جایی که نمایی که از آینده انقلاب اسلامی ایران در ذهن‌ها به تصویر می‌کشد الگویی برگرفته از حکومت عدل علی^(ع) است «...باید حکومت اسلامی مثل حکومت علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - باشد. مردمی که در این حکومت زندگی می‌کنند همه اسلامی باشند...» (امام ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۵۷) و گاه به طور غیر مستقیم از متن پنهان *نهیج البلاغه* در آثار خود بهره برده است.

بینامتنیت، روشی جدید برای خوانش متون است مهم ترین هدفی که بینامتنیت دارد کشف نشانه‌های متون دیگر بر یک متن است چرا که بینامتنیت به مطالعه روابطی می‌پردازد که بین متون وجود دارد و این روابط تأثیر دقیق متن جدید را از متون دیگر باز می‌نمایاند و خواننده را در درک عمیق تر و فهم بهتر یک متن یاری می‌رساند. در نظریه بینامتنیت فارسی-عربی این روابط در قالب اصطلاحاتی چون بینامتنیت تعددی-آشکار، تعددی-پنهان و ضمنی دسته بندی می‌شوند. به نظر می‌رسد که زمینه‌های کشف روابط بینامتنی در دو متن *نهیج البلاغه* (متن اسلامی-کهن-عربی) و *صحیفه امام* (متنی اسلامی-معاصر-فارسی) مشهود است.

ضرورت بحث: تطبیق صحیفه امام با نهج البلاغه در موضوع اخلاق اجتماعی کارگزاران به طور متمرکز و روشمند انجام نگرفته این تحقیق در نظر دارد که با روش جدید بینامتنیت این دو متن را با هم به مقایسه بگذارد و به بررسی علمی بینامتنیت بین این دو متن بپردازد.

از میان روابط سه گانه بینامتنیت «تعمدی- آشکار، تعمدی-پنهان و ضمنی»، بین متون نهج البلاغه به عنوان متن پیشین و متن صحیفه امام به عنوان متن حاضر در موضوع اخلاقی اجتماعی کارگزاران، کدام نوع بیشترین فراوانی را دارد؟ روابط بینامتنیت بین متون نهج البلاغه با صحیفه امام اغلب از نوع تعمدی-آشکار و گاهی هم از نوع ضمنی است.

۲) پیشینه تحقیق

در موضوع مبانی اخلاق اجتماعی کارگزاران از دیدگاه نهج البلاغه، مقاله «اخلاق سیاسی- اجتماعی کارگزاران در نهج البلاغه» به قلم خدیجه احمد مهربانی و نیز مقاله محمد دشتی با عنوان «اخلاق و نظم اجتماعی، سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه» و نیز مقاله «بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه» نوشته حسین علی مصدقیان از پیشینه‌های این پژوهش محسوب می‌شود که به بررسی ویژگی‌های سیاسی کارگزاران در جامعه علوی پرداخته‌اند. دیدگاه امام خمینی در این موضوع را می‌توان در کتاب اصول اخلاق اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی نوشته ابوالفضل هدایتی و کتاب اخلاق مسئولان نظام اسلامی نوشته علی اکبر ذاکری دریافت نمود که در بعضی موارد در کنار نظرات امام خمینی به بیاناتی از معصومان - سلام الله علیهم - نیز استناد کرده است اما در میان کتاب‌ها و مقالات نامبرده هیچکدام به مقایسه و تطبیق این اصول و مبانی در دو متن با روش بینامتنیت پرداخته‌اند.

اما از جهت روش تحقیق، مقاله «بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی» نوشته علی صباغی الگویی پژوهش حاضر محسوب می‌شود این مقاله پلی در مباحث بینامتنیت و بلاغت اسلامی به زبان فارسی برقرار کرده و به هم پوشانی این دو مبحث پرداخته که به نوعی گام اولیه بومی سازی این نظریه در ادبیات فارسی و عربی به شمار می‌رود.

پژوهش حاضر در نظر دارد که به مقایسه و تطبیق *نهج البلاغه* به عنوان یک متن پسین و صحیفه امام به عنوان متن حاضر در موضوع اخلاق اجتماعی کارگزاران پرداخته و روابط بینامتنی این دو اثر را کشف کند.

۳) روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس نظریه بینامتنیت است که چندی است موضوع مشترک پژوهشگران در سه حوزه ادبیات غرب سپس عرب و در نهایت، فارسی واقع شده است. برای تبیین روش تحقیق پژوهش حاضر لازم است که به طور مختصر به تاریخچه و سیر تکاملی این نظریه علمی بپردازیم.

اصطلاح «بینامتنیت»^۱ توسط ژولیا کریستوا^۲ همزمان با ظهور پساساختارگرایی در فرانسه در دهه شصت مطرح گشت. موفقیت او نتیجه مطالعات وی بر موضوع گفتگومندی و چند صدایی میکائیل باختین^۳ بود (رک: آلن ۱۳۸۰: ۴۶). در نظریه بینامتنیت، کریستوا هر متنی را به منزله جذب و دگرگون سازی متون دیگر قرار می دهد به گونه ای که متون همواره در حال تولید هستند در واقع از این منظر مؤلفان، متون خود را به یاری اذهان خود نمی آفرینند بلکه آنها را بر اساس متون از پیش موجود تدوین می کنند. به همین دلیل است که کریستوا گاهی از تعبیر «جایگشت» برای بیان بینامتنیت استفاده می کند (رک آلن ۱۳۸۰: ۵۳).

در پژوهش های ساختارگرایانه، به هر پیکره مطالعاتی به ویژه در علوم انسانی، متن تلقی می شود (نامور مطلق ۱۳۸۸: ۷۸) اصطلاح مناسبات بینامتنی نخستین بار توسط صورت گرایان روسی مطرح شد آنها در بین تمام تأثیر پذیری های هنری (شعر، گفته، ترانه، نمایش یا حتی فیلم)، تأثیری که متن ادبی را از متون دیگر متمایز می سازد مهم ترین تأثیر برمی شمردند (ساسانی ۱۳۸۳: ۱۷۳) پساساختارگرایان تحولی در معنای متن پدید آوردند و آن را در تقابل با تصورات سنتی قراردادند تصوراتی که متن اثر را بسته و مقید به لفظ؛ و مدلول را قطعی و تک سویه می پنداشت (رک: آلن ۱۳۸۰: ۴۸) بارت^۴ متن را دو نوع تقسیم کرد. متن خوانا یا هم سازه و متن نویسا یا ناهم سازه. متن

1. intertextuality

2. Kristeva, Julia

3. Bakhtin, Mikhail

4. Barthes, Roland

خوانا یا هم سازه که در آن مؤلف با نهادینه کردن معنا در ساختار متن به عنوان عنصر اصلی و فعال محسوب می‌شود و متن نویسا یا ناهم سازه که با طرح فرآیند تکثر و تعیین ناپذیری زبان، خواننده به عنوان عنصری فعال به خوانش متن و تولید معنای جدید می‌پردازد (مکاریک ۱۳۸۵: ۲۷۶).

به این ترتیب دو نوع تعریف از بینامتنیت وجود خواهد داشت: تعریفی بر اساس نظر کریستوا و باختین از بینامتنیت، که بر مبنای تکثر و عدم قطعیت معنا، این نکته را بیان می‌کند که متون همگی به طور بالقوه متکثر، بازگشت پذیر، در معرض پیش پنداشت‌های خاص خواننده، فاقد مرزهای روشن و تعریف شده، و همواره در گیر بیان یا سرکوب آواهای مکالمه‌ای موجود در جامعه‌اند (آلن ۱۳۸۰: ۲۹۷). و تعریفی از بینامتنیت که مبنای مقاله حاضر است و ژنت^۱ که از ساختگرایانی است که مخالف با تکثر معنا و چند آوایی است آن را در مفهومی متفاوت با کریستوا بیان می‌کند. او به صراحت به مطالعه روابط تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بین متون پرداخته و بینامتنیت را این طور تعریف می‌کند: «مناسبات هم حضوری میان دو متن یا بین چندین متن» سپس آن را به حضور بالفعل یک متن در متن دیگر تعبیر می‌کند به عبارت ساده تر بینامتنیت ژنت به موضوعات منقول، انتحال و تلمیح فرو کاسته شده است (آلن ۱۳۸۰: ۱۴۶). در دیدگاه ژنت، متن‌ها در شبکه‌ای از روابط قرار می‌گیرند که کشف کردن یک متن و کشف معنا یا معانی آن در گرو رد یابی کردن روابط بینامتنی است هرگاه بخشی از یک متن (متن ۱) در متن دیگری (متن ۲) حضور داشته باشد، متن ۱ تفسیر متن ۲ نیست بلکه بینامتن است (رک: آلن ۱۳۸۰: ۱۵۴) بر این اساس کل ادبیات دارای الگوهای عامی هستند که فقط رو ساخت آنها تغییر می‌کند اما زیر ساخت‌های ثابت دارد و قابلیت بررسی ارجاعات بینامتنی وجود دارد.

در تبیینی بهتر، بینامتنیت طبق نظر ام. اچ. ایبرمز از طریق موارد زیر صورت می‌گیرد: «نقل قول‌های صریح و ناصریح، تکرار و تغییر ویژگی‌های شکلی و مضمونی، یا صرفاً از طریق مشارکت ناگزیر در استفاده از گنجینه سنت‌ها در قواعد زبانی و ادبی و روندهایی که از پیش همواره موجودند و نظام نوشته‌هایی که ما در آنها متولد می‌شویم تشکیل می‌شود» (ایبرمز ۲۰۰۸: ۴۴۷) برخی از اندیشمندان معاصر فارسی، معتقدند که تفکر ارجاعات بینامتنی در مطالعات نقد ادبی و زبانی خودمان با نام‌ها و مفهوم‌های متفاوت وجود دارد: تلمیح، انتحال، شأن نزول، اسباب نزول،

1. Gerard Genette

مقام، مقال، شیوه روایت تودرتو یا متن در متن شرقی؛ نقش احادیث، روایات، اخبار، نصرانیات و اسرائیلیات و غیره (ساسانی ۱۳۸۳: ۱۷۲).

آنچه مسلم است وجود مباحث اقتباس^۸، تلمیح^۹، تضمین^{۱۰}، سرقت‌های ادبی و در بلاغت اسلامی، پیشینه‌ای به قدمت این علم به بینامتنیت بخشیده و این باور را که ریشه‌های این علم را می‌توان در این حوزه دیرینه جستجو کرد تقویت می‌کند (رک: هاشمی ۱۴۱۰: ۴۱۳-۴۱۲).

ناقدان عرب تقسیم بندی‌های متنوعی از بینامتنیت (التناصر) را مطرح کرده‌اند از آن جمله دسته‌بندی‌هایی بر مبنای نظر ژنت است که تناص را به آگاهانه و ناخودآگاه تقسیم می‌کند در شکل آگاهانه نویسنده به شکلی واضح و مشخص از متن دیگری در متن خود استفاده می‌کند. و در شکل ناخودآگاه از اینکه متن دیگری یا جزئی از آن یا خصوصیتی از آن را در متن خود استفاده کرده است ناآگاه است (میرزایی و واحدی ۱۳۸۸: ۲۵). به عبارت بهتر، ژنت بینامتنیت را به سه دسته، صریح - اعلام شده، غیر صریح - پنهان شده و ضمنی تقسیم می‌کند در بینامتنیت صریح - اعلام شده مؤلف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود، یعنی متن اول را پنهان کند به همین دلیل به نوعی می‌توان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد؛ مانند: نقل قول‌ها بینامتنیت غیر صریح - پنهان شده که مؤلف می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند که نمونه سرقت ادبی است و در بینامتنیت ضمنی مؤلف قصد پنهان کاری متن خود را ندارد به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با آنها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع را شناخت. مانند کنایات، اشارات، تلمیحات و... (نامور مطلق ۱۳۸۶: ۸۷) امروزه گاه به دلیل بازخورد منفی به کار بردن متون عربی و دینی که دچار اشباع کاذب در ذهن جامعه شده است، نه از حیث سرقت ادبی بلکه از حیث تلقین غیر مستقیم حقایق دینی، بینامتنیت پنهان شده به کار می‌رود.

۸. اقتباس: در لغت به معنای آتش یا نور و فروغ گرفتن و در فن بدیع عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن کریم یا حدیثی از رسول اکرم است به نحوی که معلوم باشد که قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال (هاشمی ۱۴۱۰: ۳۲۷).

۹. تلمیح: به گوشه چشم نگاه کردن. در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه یا حدیثی معروف اشاره کند (ر.ک: همایی ۱۳۸۲: ۳۲۸). تفاوت تلمیح با اقتباس آن است که در تلمیح فقط اشاره‌ای لطیف به داستان یا... است اما در اقتباس شرط آن است که عین عبارت مورد نظر یا قسمتی از آن را بیاورند (ر.ک: همایی ۱۳۸۲: ۳۸۶).

۱۰. تضمین: هنگامی است که نویسنده بخشی از اثر خود یا دیگری را در اثر خود بیاورد اما آنرا معرفی کند تا به سرقت متهم نشود (ر.ک: رادفر ۱۳۶۸: ۳۷۳).

بینامتنیت در ادبیات فارسی نیز به دلیل منابع بلاغی مشترک با ادبیات عرب از دیرباز رایج بوده است البته بحث از اصطلاحات بلاغت اسلامی که گونه‌هایی از مناسبات بینامتنی‌اند تاکنون به صورت نظام‌مند و منتقدانه مطرح نشده‌اند. نظریه «بینامتنیت عربی-فارسی» با الگوگیری از ژنت، از سه گونه پیوند بینامتنی آشکار، پنهان و ضمنی سخن گفته که قابل تطابق با بخش‌هایی از بلاغت اسلامی است. هم پوشانی انواع بینامتنیت با مباحث بلاغی به طور خلاصه به شکل زیر است:

هم پوشانی بینامتنیت تعمدی-آشکار با تضمین و انواع آن:

در این گونه از پیوند بینامتنی هنرمند متأخر تمام یا بخشی از متن هنرمند گذشته یا معاصر خود را در کلام خود می‌گنجاند. در بلاغت اسلامی این نوع بینامتنیت را با عنوان تضمین و گونه‌های فرعی آن تعریف کرده‌اند. اگر تضمین را گنجاندن کلام دیگری، اعم از آیه، حدیث، شعر، مثل و ... میان سخن خویش تعریف کنیم، می‌توانیم انواع آن را به صورت مشخص مدون نماییم و آنها را از گنجاندن یک نشانه زبانی تا بخشی از گفتار یا تمام گفتار دیگری، به صورت منسجم یا پربیشان، تعیین و تحدید نماییم.

نوع بینامتنیت	تعمدی-آشکار یا تضمین
رابطه	گونه‌های فرعی تضمین: (۱) اقتباس؛ (۲) حل؛ (۳) ترجمه آیه یا حدیث (۴) الحاق؛ (۵) تولید؛ (۶) حسن اتباع....

۱. ضمنی: در لغت به معنی درون هر چیز است و در اصطلاح پیوند دادن اشعار خود به اشعار دیگری است (رک رادفر ۱۳۶۸: ۷۵۴).

۲. حل: یا تحلیل در اصطلاح ادبیات عرب عبارتست از گرفتن الفاظ آیه‌ای از قرآن یا حدیث یا ... در گفتار یا نوشتار با خارج ساختن عبارت آن از حیث وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص. حل با تحلیل در واقع خارج از اقتباس نیست بلکه برای تصحیح وزن، تغییری در کلام اقتباس شده، داده می‌شود (حکمت ۱۳۶۱: ۱۳۸).

۳. ترجمه: یعنی مطلبی را از زبانی به زبان دیگر برگردانیدن. و این کار که خود هنری از هنرهای گرانقیمت ادبی شمرده می‌شود (همایی ۱۳۸۲: ۳۷۳).

۴. تولید: در لغت به معنای زایانیدن و پروردن و در اصطلاح بدیع آن است که شاعری، قسمتی از شعر شاعر دیگر یا تمامی آن را در شعر خود بیاورد، اما معنی دیگری از آن پدید آورد (انوشه ۱۳۷۶: ۴۱۱).

۵. حسن اتباع: آن است که نویسنده معنا را از دیگری گرفته و با لطایفی آراسته و با وزن و اسلوب بهتری بیاورد تا خود را بر مخترع در صنعت مقدم دارد (رادفر ۱۳۶۸: ۴۷۷).

هم پوشانی بینامتنیت پنهان - تمعدی با سرقت‌های ادبی:

در این گونه از بینامتنیت هنرمند پیوند میان متن خود با متن پیشین را به عمد پنهان می‌کند. انواع سرقت‌های ادبی که بیشتر در پایان منابع بلاغت اسلامی فصلی جداگانه به آن اختصاص داده شده، نمونه بارز این گونه از پیوندهای بینامتنی است.

نوع بینامتنیت	پنهان-تمعدی یا سرقت‌های ادبی
رابطه	الف) آشکار: ۱. نسخ و انتحال؛ ۲. اغراه و مسخ؛ ۳. المام و سلخ. ب) سرقت پنهان: ۱. تشابه؛ ۲. نقل؛ ۳. اشمل؛ ۴. قلب ...

هم پوشانی بینامتنیت ضمنی با آرایه‌های ادبی:

در این نوع بینامتنیت پیوند میان متن حاضر و متن پیشین به تمامی آشکار نیست و هنرمند نیز قصد پنهانکاری عمدی ندارد، بلکه به تناسب محتوا و موضوع و تداعی و نبوغ هنری خود، ناخودآگاه، به پشتوانه فرهنگی خویش رجوع می‌کند و بخشی از آن را باز آفرینی می‌کند. مثلاً گنجاندن یک نشانه قرآنی یا حدیث در متن شعر یا نثر نوعی بینامتنی برون فرهنگی پدید می‌آورد.

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	آرایه ادبی متأثر از متون پیشین: ۱. تلمیح؛ ۲. ارسال المثل؛ ۳. تصویر آفرینی الهامی. انواع تأثیرپذیری نشانه‌ای: ۱. وام‌گیری؛ ۲. ترجمه؛ ۳. اقتباس؛ ۴. الهام‌گیری و باز آفرینی ^۱

(صباغی ۱۳۹۱: ۶۸-۶۵).

روشی که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته تبیین نوع کاربرد بینامتنیت و روابط بلاغی بر اساس نظریه بینامتنیت (عربی-فارسی) است.

۱. الهام عبارت از ضرورتی است که نویسنده و شاعر را به کار و می‌دارد همراه با اخلاصی که او را در آن کار به مداومت می‌خواند برحسب تعبیر دیگر، الهام مجاهده‌ای خلاقه است که متعاقب نوعی جذب انسان را به ابداع و ایجاد قادر می‌کند. این حال که آن را نفخه روحانی و ابداع عرفانی هم می‌گویند نشانه قدرت خلاقه‌ای است که از وجود شاعر و هنرمند نشأت می‌گیرد (زادفر ۱۳۶۸: ۱۷۶).

۴) ادبیات تحقیق

اخلاق از ریشه خُلُق یا خَلَق است. علمای اخلاق، خُلُق را ملکهٔ نفسانی می‌دانند که مقتضی است افعال و رفتار آدمی به آسانی و بدون فکر از او صادر شود (رک: نراقی بی‌تاج: ۱: ۵۵).

امام خمینی درباره اخلاق می‌گوید:

بدان که «خُلُق» عبارت از حالتی است در نفس که انسان را دعوت به عمل می‌کند بدون روّیه و فکر. مثلاً، کسی که دارای خُلُق «سخاوت» است، آن خُلُق او را وادار به جود و انفاق کند، بدون آنکه مقدماتی تشکیل دهد و مرجحاتی فکر کند؛ گویی یکی از افعال طبیعی اوست... (امام خمینی ۱۳۸۱: ۵۱۰).

ایشان در جایی دیگر اساس اخلاق را اخلاق اجتماعی معرفی می‌کنند:

اسلام، احکام اخلاقی اش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنین برادر هستند این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. اگر مؤمنین، طوایف مختلفی باشند، اینها با هم در اسلام هستند و همه هم مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام هستند، اینها با هم برادر باشند، همان طوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همهٔ قشرها با هم نظر محبت داشته باشند، این علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد یک حکم بزرگ اجتماعی است و نتایج بزرگ اجتماعی دارد (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۳: ۱۳۱-۱۳۰).

منظور از کارگزاران افرادی هستند که از سوی حاکم جامعه اسلامی به ادارهٔ بخشی از امور جامعه منصوب و مأمور می‌شوند. این مأموریت می‌تواند شامل سطحی کلان مثل ولایت و حاکمیت منطقه‌ای از جامعه اسلامی باشد و یا در سطوحی پایین‌تر همچون فرماندهی جنگ، قضاوت، جمع‌آوری مالیات و... اجرا شود. همچنین واژه کارگزار را می‌توان مترادف با کارمند دولت دانست که از سوی مسئولان حکومت یا نمایندگان آن برگزیده می‌شود.

اخلاق کارگزاران عبارت است از مجموعه رفتارها و ملکات نفسانی انسان، از آن جهت که مدیریت جمعی از انسان‌ها را برای نیل به اهداف خاص عهده دار است (میرتاج الدینی ۱۳۷۶: ۲۹). هر فرد کارگزار که در بخشی از دستگاه‌های حکومتی مشغول به کار است معمولاً با چهار گروه در

ارتباط است که عبارتند از مافوق، همکار، زیر دست و مردم. بنابراین در بررسی رفتارها و ویژگی‌های اخلاقی کارگزار لازم است که روابط وی با هریک از گروه‌ها لحاظ شود.

۵) محورهای بینامتنیت نهج البلاغه با صحیفه امام در موضوع اخلاق اجتماعی کارگزاران

در موضوع اخلاقی اجتماعی در دو متن مورد نظر، صفات و ویژگی‌های فراوانی برای کارگزار وجود دارد اما مواردی در پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته که قابلیت بررسی روابط بینامتنی را داشته‌اند که البته در چهار محور زیر به آنها پرداخته می‌شود:

اخلاق کارگزاران در ارتباط با مافوق؛

اخلاق کارگزاران در ارتباط با همکار؛

اخلاق کارگزاران در ارتباط با زیر دست؛

اخلاق کارگزاران در ارتباط با مردم (میرتاج الدینی ۱۳۷۶: ۹۰).

۵-۱) اخلاق کارگزاران در ارتباط با مافوق

۵-۱-۱) پرهیز از تملق

متن حاضر:

مقام خطیر است و خطر بزرگ، به خدا باید پناه برد و از او استمداد کرد. همه دست‌اندرکاران - به ویژه رئیس جمهور باید از چاپلوسان دغلباز و زبان‌بازان حیل‌گر بر حذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه‌دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۷۰).

متن غایب: «إِيَّاكَ وَالْمَلَقَ فَإِنَّ الْمَلَقَ لَيْسَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيْمَانِ» (تمیمی آمدی ۱۳۶۶: ۲۱۵) بر تو باد به دوری از چاپلوسی و تملق گویی زیرا که روش‌های مردم با ایمان تملق گویی نیست.

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	ترجمه: جمله «همه...باید از چاپلوسانبرحذر باشند.» ترجمه عبارت «إيَّاك والملق» است.

۲-۱-۵) اطاعت از بالادستی‌ها

متن حاضر:

باید ارتش با کمال قدرت کار بکند، و تمام قوایی که در تحت نظم هستند، و درجه دارها یا افسرهای بالا هستند، یا فرمانده هستند، اینها باید اطاعت بکنند. امروز اطاعت از بالا دستها یک امر شرعی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵۸: ۱۳).

متن غایب:

«وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي غُنْفِكَ أَمَانَةٌ، وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ. لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَنَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ، وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ. وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنْتَ مِنْ خُزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ، وَ لَعَلِّي أَنْ لَا أَكُونَ شَرًّا وَلَاتَكِ لَكَ وَالسَّلَامُ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵: ۲۷۴) به اشعث بن قیس، عامل خود در آذربایجان نوشته است: «کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهداری امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی، و بی دستوری به کاری دشوار در آیی. در دست تو مالی از مالهای خداست عزوجل، و تو آن را خزانه داری تا آن را به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم، والسلام».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	ترجمه معنوی: جمله «اطاعت از بالا دستی‌ها یک امر شرعی است» از عبارت «أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ» گرفته شده است.

۳-۱-۵) نُصَح

امام خمینی که نصیحت و انتقاد بجا و سازنده را از عوامل رشد جامعه می‌داند و همه اقشار مردم را به انجام آن دعوت می‌کند (رک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۷۶، ج ۴: ۱۵۹) در جایی خطاب به روحانیون که خود یکی از کارگزاران در جامعه اسلامی به شمار می‌روند می‌گوید:

روحانیت، با هر فشار و مضیقه و اهانتی که دولت بر آن وارد کرده و درصدد وارد کردن است، تکلیف دینی و وجدانی خود را در این تشخیص داده که مصالح و مفاسد را به دولت‌ها و به جامعه مسلمین گوشزد کند؛ و از

نصیحت مشفقانه به زمامداران و اولیای امور خودداری نکند (امام خمینی
۱۳۸۵ ج ۱: ۱۴۸).

متن غایب: «قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِمَامِكَ» و در ادامه همین
نامه آمده است: «ثُمَّ لِيَكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرْأَلِ الْحَقِّ لَكَ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۲۸، ۳۳۰)
«پس از سپاهیان خود کسی را بگمار که خیرخواهی وی برای خدا و رسول او و امام خود بیشتر
دانی و آن کس را به دیگران بگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	در بند اول: حل: امام خمینی خطاب به روحانیت دارد که «از نصیحت مشفقانه به زمامداران و اولیای امور خودداری نکنند» که از عبارت «قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ» گرفته شده. در بند دوم: تولید: عبارت «انتقاد بجا و سازنده» و نیز عبارت «ارزیابی و انتقاد عمومی» از عبارت «ثُمَّ لِيَكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرْأَلِ الْحَقِّ لَكَ» اقتباس شده است.

۲-۵) اخلاق اجتماعی کارگزاران در ارتباط با همکار

۱-۲-۵) مشورت

امام خمینی در وصف جامع الجهات بودن علی^(ع) به مواردی اشاره می‌کند: «در جهت عبادت او،
در جهت معارف او، که اینها را نمی‌توانیم حالا ما همه‌اش را ذکر کنیم... در مسئله جنگ ... بعد از
رسول خدا مشاور جنگی بوده است...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۲۲).

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	تلمیح: در بیانات امام خمینی که درباره جامع الجهات بودن علی ^(ع) است با عبارت «بعد از رسول خدا مشاور جنگی بوده‌اند» به طور ضمنی اشاره می‌کند به ماجرای مشورت عمرین خطاب در زمان خلافتش با علی در موضوع شرکت عمر در جنگ ایران و روم (رک: ابوحامد ۱۳۳۷ ج ۹: ۹۵).

از اول ظهور اسلام، مسلمین حافظ دین مبین اسلام بوده‌اند؛ حتی برای حفظ دین از حق خود می‌گذشتند. امیرالمؤمنین - علیه السلام - با خلفاء همکاری می‌کردند، چون ظاهراً مطابق دستور دین عمل می‌نمودند و تشنجی در کار نبود، تا موقعی که معاویه روی کار آمد و از طریقه و روش خلفا منحرف گشته و خلافت را مبدل به سلطنت نمود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۱۳).

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	تلمیح: در سخنان امام خمینی به داستان همکاری علی (ع) در خطبه سوم اشاره شده که در آن ضمن بیان شرایط سخت و حساسی که در دوران ابوبکر خصوصاً عمر وجود داشت (فَصَاحِبُهَا كَرَأَيْبِ الصَّعْبَةِ إِنَّ أَشَقَّ لَهَا حَرَمٌ..). امام برای برطرف شدن بی‌ثباتی و عدم تعادل، که بین مردم ایجاد شده بود به همکاری با آنها پرداخت (رک: ابو حامد ۱۳۳۷ ج ۱: ۱۶۲).

۳-۲-۵ امر به معروف و نهی از منکر

البته این خصیصه در همه رده‌های اجتماعی کاربرد دارد و از نگاه امام خمینی یک واجب کفایی است. اما به نظر می‌رسد که کارا ترین امر به معروف و نهی از منکر در میان همکارانی است که با انسان بیشترین ارتباط را دارند. در بخشی از سخنرانی ایشان در جمع استانداران بیان می‌دارند:

متن حاضر:

شماها که در شهرستانها هستید، در استانها هستید، باید کوشش کنید که این استانی که هستید، آنجا را درستش کنید، باید هر کسی مثلاً، یک کسی که یک اختلافاتی در داخل خانه خودش هست، باید تمام همش را صرف بکند که این اختلاف خانه‌اش را بردارد و بعد اگر دید که یک جای دیگر هم خرابکاری هست، خوب کار صحیحی است برود آنجا هم امر به معروف کند. شما آقایان استاندارها تمام توجهتان را هم متوجه به آن بکنید که اولاً خود استانداری چه اشخاصی در آن هستند، اشخاص همه

اشخاص صحیحند یا غیر صحیح، خوب شما خودتان می‌توانید آن اشخاص

را تغییر بدهید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴۱۴).

متن غایب: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِّ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعٌ لِلْسُّفَهَاءِ» (نهج البلاغه کلمات قصار ۲۵۲: ۴۰۲) امر به معروف را برای اصلاح کار همگان، و نهی از منکر را برای بازداشتن بیخردان. «اتَّمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَمُرُوا بِهِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَنْهَوْا عَنْهُ» (تمیمی آمدی ۱۳۶۶: ۳۳۴). «هم خود به کارهای نیک پردازید و هم دیگران را به آن فرمان دهید و از کارهای زشت دوری کنید و دیگران را هم از آن بازدارید».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	حل: امام خمینی در عبارت «این استانی که در آن هستید را درستش کنید» نقطه آغازین امر به معروف و نهی از منکر را بعد از شخص، در میان همکاران (در اینجا استانداری) می‌داند. این برداشت را می‌توان از بیانات علی ^(ع) نیز به دست آورد. «اتَّمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَمُرُوا بِهِ»

۳-۵) اخلاق اجتماعی کارگزاران در ارتباط با زیر دستان

۱-۳-۵) عدالت ورزی

متن حاضر:

همین [دوره] پنج ساله و شش ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از مملکتش، در یک جای از مملکتش، برای یک معاهد - یک زن معاهد - یک زحمت پیش بیاید، یک خلخال از پای او درآوردند، حضرت، این حاکم، این رئیس ملت، آرزوی مرگ بکنند، که مرگ برای من - مثلاً - بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش درآوردند. این حکومت حکومتی است که در رفتش مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۶۰).

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	تلمیح: امام خمینی در عبارت «در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش در آورند» اشاره به داستان خلخال در نهج البلاغه می کند و به طور صریح بیان می دارد که این داستان را از متن نهج البلاغه اقتباس کرده است. (لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ...) (رک: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۶۰؛ نهج البلاغه ۱۳۸۰ خطبه ۲۷: ۲۷).

۲-۳-۵) عفو فریب خوردگان، شدت عمل با سرکردگان شرارت

امام خمینی با الگو قرار دادن امیرالمؤمنین به طور تلمیحی در مورد عفو و انتقام می گوید:

مولای ما، امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - آن مرد نمونه عالم، آن انسان به تمام معنا انسان، آنکه در عبادت آن طور بود و در زهد و تقوا آن طور، و در رحم و مروت آن طور و با مستضعین آن طور بود، با مستکبرین و با کسانی که توطئه می کنند شمشیر را [می کشید و] می کشت. هفتصد نفر را در یک روز - چنانچه نقل می کنند - از یهود بنی قریظه - که نظیر اسرائیل بود و اینها از نسل آنها شاید باشند - از دم شمشیر گذرانند! خدای تبارک و تعالی در موضع عفو و رحمت رحیم است. و در موضع انتقام، انتقامجو. امام مسلمین هم این طور بود، در موقع رحمت، رحمت؛ و در موقع انتقام، انتقام (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۸۲).

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	تلمیح: امام خمینی با عبارت «هفتصد نفر را در یک روز - چنانچه نقل می کنند - از یهود بنی قریظه - که نظیر اسرائیل بود و اینها از نسل آنها شاید باشند -

<p>از دم شمشیر گذرانند! اشاره به داستان یهود بنی قریظه می کند (أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بَعَثَ أَكْبَرُ أَصْحَابِهِ إِلَى بَنِي قَرِيظَةَ - فَنَزَلُوا مِنْ حَصْنِهِمْ فَهَزَمُوا فَبَعَثَ عَلِيًّا بِالرَّايَةِ - فَاسْتَنْزَلَهُمْ عَلَى حَكْمِ اللَّهِ وَ حَكْمِ رَسُولِهِ - وَ فَعَلَ فِي خَيْبَرٍ مِثْلَهَا) (رك: ابو حامد ۱۳۳۷ ج: ۶: ۲۸۹) و دو صفت عفو و انتقام را در امیرالمؤمنین به عنوان سیره اقتباسی از ایشان بیان می دارد.</p>	
--	--

نمونه عملی که امام خمینی در زمان حیات خود در عفو اجرا کرد در ذیل آمده است:
متن حاضر:

غائله کردستان، به دست مشتیی از خدا بیخبر مزدور که از اسلحه اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می گرفت، با قیام دلاورانه قوای انتظامی و پاسداران انقلاب درهم پیچید؛ و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاهها پنهان، و جوانان فریب خورده ای را به جای گذاشتند. ما به طوری که کرازا اعلام کردیم، بجز سران جنایتکار و آنان که در خیانت و جنایت با آنان شریک بودند، از دیگر جناحها، حتی گول خوردگانی که در حزب دمکرات وارد شده اند، در صورتی که سلاحهای خود را به مقامات انتظامی بسپارند، با برادری رفتار و عفو عمومی نمودیم. این اصل عمومی شامل قشرها و برادران کردستانی است. همه از پناهگاهها بیرون بیایند و به برادران خود ملحق شوند، و به زندگی عادی خود ادامه دهند. دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاریهای آنان و ترمیم خرابیها و سازندگی عقب مانده گیها کوشا خواهد بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج: ۹: ۴۴۶).

سیره امام خمینی در باره دانشجویان و اندیشمندان جامعه که به خطا می روند چنین بوده است: امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید..... وقتی ما می توانیم به آینده کشور و آینده سازان

امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۹۹-۹۸).

متن غایب: علی^(ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر که به فرمانداری مصر منصوب کرده بود در رابطه با برخورد با خطاهای افراد زیر دست بیان می‌دارد: «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ، فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ، وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَوَلَاكَ. وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَابْتَلَاكَ بِهِمْ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۲۶) «به خطاشان منگر، و از گناهشان درگذر، چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید، چه تو برتر آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد از تو برتر است، و خدا از آن که تو را ولایت دارد بالاتر، و او ساختن کارشان را از تو خواست و آنان را وسیلت آزمایش تو ساخت».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	حسن اتباع: در غائله کردستان، قاعده «رفتار عفو عمومی» برای اقشار زیردست از عبارت «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ» حل: درباره اندیشمندان از عبارت «از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم» به تاسی از عبارت «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ» استفاده کرده است.

۳-۳-۵) تشویق

متن حاضر:

آنچه خوب است در رادیو-تلویزیون و مطبوعات باشد، آن است که برای کشور اثری داشته باشد. مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود، شما این شخص را به جای مقامات کشور در صفحه اول بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است، این منتشر بشود. و یا کارمندی خوب کار کرد، و یا اگر طبیعی عمل خوبی انجام داد، عکس او را در صفحه اول چاپ کنید و بنویسید که این عملش چطور بوده است. این باعث تشویق اطبا می‌شود و بیشتر دنبال کار می‌روند. ... خلاصه، باید اساس تشویق اشخاصی باشد [که] در این کشور فعالیت می‌کنند؛ ... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۶۱).

همچنین در ضمن بیاناتی که درباره روحانیون و نحوه اداره آنها می‌گفتند بیان داشتند: «اشخاص لایق تشویق شوند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۸۰).

متن غایب: «در بخشی از بیانات امام علی به مالک اشتر درباره نظامیان و تلاش‌های آنها آمده است: «وَ وَاَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا اَبْلَى ذُووُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ اَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاِكِلَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ» (نهج‌البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۳۱) «و ستودنشان را به نیکی پیوسته دار، و رنج کسانی را که کوششی کرده‌اند بر زبان آر، که فراوان کار نیکوی آنان را یاد کردن، دلیر را برانگیزند، و ترسان بد دل را به کوشش مایل گرداند، اِنْ شَاءَ اللّٰهُ».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	حل: امام خمینی با الهام‌گیری از کلام «وَ وَاَصِلْ مِنْ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ... تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاِكِلَ» روش تشویق را باعث کار بیشتر ... بیان می‌دارند فقط قالب الفاظ به کار گرفته امروزی است.

۴-۵) اخلاق اجتماعی کارگزاران در ارتباط با مردم

۱-۴-۵) محبت و دلسوزی

متن حاضر:

این‌طور نبود که رسول خدا حالا که در رأس واقع شده و رئیس امت است مثل سایر حکومتها ریاست بکند. در مسجد می‌آمدند می‌نشستند؛ اصحابشان و اتباعشان هم توی مسجد بود؛ کسی، از خارج که می‌آمد نمی‌دانست کدام از آنها پیغمبر است. می‌پرسید کدامتان پیغمبر هستید؟ در نشستن این‌طور نبود که یکی در بالای تخت بنشیند و ما بقی مقابلش بایستند و سلام نظامی بکنند! حضرت امیر هم همین‌طور بود. صدر اسلام وضع این‌طور بود، این‌طور نبود که امرای لشکر - امرای لشکر خیلی مهم داشتند - با مردم دیگر فاصله بگیرند؛ جو محبت بود. آنها در یک محیط دوستی و رفاقت و محبت زندگی می‌کردند. بین خودشان «رُحَمَاء» بودند؛ یعنی همه با هم دوست و رفیق ... با رحمت رفتار می‌کردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۳۳).

در جای دیگر می‌گوید: «منطق ما این است که یک حکومتی می‌خواهیم که آن به حال ملت ما دلسوز باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۶۵).

متن غایب: «و أَشْعِرُ قَلْبُكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۲۶). «و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان».

نوع بینامتنیت	ضمنی
رابطه	تلمیح: در متن اول اشاره‌ای به شرایط عصر حکومت در صدر اسلام و زمان امام علی می‌کند که جو حاکم جو محبت با مردم بود. جو محبت بود. آنها در یک محیط دوستی و رفاقت و محبت زندگی می‌کردند.

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	اقتباس: عبارت «یک حکومتی می‌خواهیم که به حال مردم دلسوز باشد» الهامی از عبارت «أَشْعِرُ قَلْبُكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ» است.

۲-۴-۵) تواضع در خدمت

متن حاضر:

اگر نبود همت این محرومان و همت این روستائیان و همت این جنوب شهریه‌ها، اگر نبود این، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما در مقابل مشکلات می‌توانستیم مقاومت کنیم. همه اینها از برکات اینهایی هستند که شما به امداد آنها برخاسته‌اید؛ و آنها لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم و برای آنها خدمت کنیم؛ همه ما خدمتگزار آنها باید باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۲۵).

متن غایب: در فرازی دیگر از عهدنامه مالک اشتر در انتخاب امیر لشکر آمده است: «وَيَرَأْفُ بِالضُّعْفَاءِ... فَفَرَّغْ لَأَوْلِيكَ تِقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَّاضِعِ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۲۶، ۳۳۰) «و بر ناتوانان رحمت آرد ... و کسی را که بدو اعتماد داری برای تفقد حال آن جماعت بگذار که از خدا ترسان باشد و از فروتنان».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	حل: عبارت «با تواضع به خدمت آنها برویم» تلفیقی از اقتباس از دو عبارت «وَيَرَأْفُ بِالضُّعْفَاءِ» و «فَفَرَّغْ لَأَوْلِيكَ تِقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَّاضِعِ» می‌باشد.

۳-۴-۵) دقت در رعایت اموال عمومی

متن حاضر:

حکومت، حکومت حضرت امیر- سلام الله علیه- و وضع حکومت او را ما در نظر بگیریم، و کسانی که در حکومت هستند و در دستگاههای دولتی هستند، سیره آن بزرگوار را در نظر بگیرند و ببینند که باید چه بکنند. البته قدرت اینکه آن طور کسی عمل بکند، ماها نداریم، کسی ندارد. به طوری که نقل کردند در یکی از چیزهایی که به بعضی از عمال خودشان نوشتند، نوشته‌اند که: «سر قلمها را نازک بگیرد، سطرها را نزدیک هم بنویسد، از چیزهایی که فایده ندارد، احتراز کنید». این یک دستوری هست برای همه؛ یعنی، دستوری هست برای کسانی که در بیت المال دست دارند. این طور حضرت امیر- سلام الله علیه- در وقت حکومتش دستور می‌دهد برای صرفه‌جویی. او مضایقه می‌کند که در یک صفحه که می‌شود ده سطر نوشت، پنج سطر نوشته بشود؛ یک قلم که می‌تواند آن مرگبی که در آن وقت بوده است صرف کند، سرش ریزه باشد تا کم صرف بشود، حرفهای غیر اصولی نوشته نشود، که صرفه واقع بشود. باز از ایشان نقل شده است که حساب بیت المال را می‌کشیدند، چراغی روشن بود، شمعی روشن بود و کسی آمد با ایشان حرف دیگری می‌خواست بزند، شمع را خاموش کردند،

فرمودند که این مال بیت المال است، تو می خواهی حرف دیگر بزنی (امام

خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۷۴-۳۷۳).

متن غایب: «وَقَالَ لِكَاتِبِهِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ [أَلِقْ دَوَاتَكَ، وَ أَطِلْ جِلْفَةَ قَلَمِكَ، وَ فَرِّجْ بَيْنَ السُّطُورِ وَ قَرِّمِطُ بَيْنَ الْحُرُوفِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ] (نهج البلاغه ۱۳۸۰ کلمات قصار ۳۱۵: ۴۱۸). [به نویسنده خود عبیدالله بن ابی رافع فرمود]: «دوات را ليقه ببنداز و از جای تراش تا نوک خامهات را درازساز، و میان سطرها را گشاده‌دار و حرفها را نزدیک هم آر که چنین کار زیبایی خط را سزاوار است».

در شرح بهج الصباغه آمده است که این سخن درباره زیبایی در نوشتار است اما بلافاصله شکل دیگری از روایت را از کتاب خصال نقل می کند که در زیر آمده و متن پنهان کلام امام خمینی هم به شمار می رود «عنه عليه السلام: كتب إلى عماله: ادقوا أقلامكم، وقاربوا بين سطورك، و احدثوا من فضولكم، و أفصدوا فصد المعاني، و آياكم و الأكتار فإن أموال المسلمين لا تحتمل الأضرار» (شوشتری ۱۳۷۶ ج ۱۴: ۴۹۳ و نیز ر.ک: شیخ صدوق ۱۳۶۲: ۳۰۱ ح ۸۵). نوک‌های قلم‌های خود را تیز کنید و خطوط را نزدیک بنویسید و کلمات اضافی برای من ننویسید و به معنی توجه کنید و از زیاده روی بر حذر باشید زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر ندارد.

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	اقتباس: امام خمینی در این سخن خود آشکارا از کلام علی علیه السلام اقتباس کرده و عبارت «سر قلمها را نازک بگیرد، سطرها را نزدیک هم بنویسد...» را که ترجمه عبارت «ادقوا أقلامكم، وقاربوا بين سطورك» است آورده است.

۴-۵) عدم تبعیض

متن حاضر: «برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند؛ و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۲) همین مضمون را در جای دیگر دارد: «در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می کند، عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می افکند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵) ایشان، در جایی دیگر می فرماید: «حکومت عدل را اعلام نمودید. حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با

یک چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه و همه به یک طور می‌تابد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۵۳).

متن غایب: «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْ سَطَّهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۵۳: ۳۲۷). «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت را فراگیرتر بود».

ظاهراً منظور این است که اگر خواستی بین چند کار عدالت گستر یکی را انتخاب کنی، آنی را انتخاب کن که برای اقشار بیشتری از مردم عدالت را فراهم سازد. در جایی دیگر در نامه‌ای که به یکی از کارگزارانش نوشته سفارش می‌کند در همه احوال در بین اقشار مردم یکسان رفتار کند: «أَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يِيَّاسَ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ بِهِمْ» (نهج البلاغه ۱۳۸۰ نامه ۲۷: ۲۸۹). «و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوان از عدالتت مأیوس نگردند».

نوع بینامتنیت	تضمین
رابطه	حل: عبارت «با همه قشرها به عدالت رفتار کند» به نوعی تغییر یافته عبارت «أَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ» است. حل: عبارت «رعایت عدالت در بین اقشار» اقتباس از «أَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ» است.

نتیجه‌گیری

در گزینه‌های اخلاق اجتماعی کارگزاران که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته، امام خمینی از سیره فکری و عملی حضرت علی (ع) به طور کاملاً تعمیدی و آشکار تأثیر پذیرفته و این تأثیرپذیری در سخنان و متون برجای مانده از ایشان در *صحیفه امام* واضح و آشکار است و هیچ قصدی برای کتمان و پنهان کردن آن دیده نمی‌شود. بنابراین نوع دوم بینامتنیت (تعمدی- پنهان که معادل سرقت‌های ادبی در بلاغت است) در کلام ایشان دیده نمی‌شود.

از هجده مورد بررسی شده در جداول، در دوازده مورد، رابطه بینامتنیت بین دو متن انتخابی از نوع تعمیدی-آشکار (تضمین) و از گونه‌های مختلف آن است که امام خمینی در آنها از کلام

امیرالمؤمنین به طور آگاهانه و ارادی در کلام خود استفاده کرده است و از این دوازده مورد، هفت مورد از آن به گونه «حل» می‌باشد که نشان می‌دهد تنها جمله بندی و واژگان مورد استفاده متفاوت است و همان معنا منتقل شده است. یک مورد به گونه «تولید» است که در آن مفهوم اقتباس شده در یک معنای جدیدتر و کامل‌تر آمده است.

در شش مورد باقیمانده، اشاره به داستان، سخن یا رفتاری از امیرالمؤمنین شده و از کلام ایشان الهام گرفته شده که از نوع رابطه بینامتنیت ضمنی به شمار می‌رود. و این نشان می‌دهد که هنگامی که امام خمینی به طور ارادی درصدد استفاده از کلام و اندیشه‌های حضرت علی (ع) نبوده‌اند به دلیل تأثیر عمیق اعتقادی از ایشان به طور ناخودآگاه از مضامین و محتوای کلام ایشان برای بیان مطالبشان بهره برده‌اند.

با استفاده از روش علمی بینامتنیت در این تحقیق، متن *صحیفه امام* کاملاً متأثر از متن *نهج البلاغه* در موضوع اخلاق اجتماعی کارگزاران شناخته می‌شود. با بررسی این دو متن می‌توان این نتیجه‌گیری را نمود که علیرغم تعلق دو صاحب اثر به دو عصر متفاوت، حضور *نهج البلاغه* به عنوان متن پیشین یا پنهان در متون مختلف *صحیفه امام* به دلیل تبعیت شخصیت معاصر از مبانی فکری شخصیت متقدم به طور آشکاری رخ می‌نماید.

پیشنهادهات:

یکی از برکات این نوع روش‌ها در بررسی متون، به دست آوردن میزان تأثیر پذیری متون معاصر از متون قدیم است این نوع زاویه دید که در روش بینامتنیت نمود دارد در جهان معاصر بسیار اهمیت پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد با بررسی متون اسلامی جدید و قدیم می‌توان به نشانه‌های بسیاری دست یافت که می‌تواند دریچه‌های روشنی را در مباحث مختلف اخلاقی، فقهی، فلسفی، تاریخی و... به روی ما بگشاید یکی از مهم‌ترین قسمت‌ها به عقیده نویسنده فقاهت امام خمینی و بررسی میزان تأثیر ایشان از متقدمین و میزان تأثیر پذیری از ایشان در رساله‌های فقهیه متأخرین است. بررسی بینامتنیت *چهل حدیث* ایشان و دریافت متون پنهان آن نیز بسیار جالب توجه است که به علاقمندان توصیه می‌گردد.

منابع

- *نهج البلاغه*. (۱۳۸۰) ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیست و یکم.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۰) *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- ابوحامد، عزالدین. (۱۳۳۷) *شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱) *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و پنجم.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶) *فرهنگنامه ادبی - فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی)*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ایبرمرز، ام.اچ، گالت هرمن، جفری. (۲۰۰۸) *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*، ترجمه سعید سبزیان، تهران: رهنما.
- تیممی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶) *تصنیف غور الحکم و درر الحکم*، قم: دفتر تبلیغات.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۶۱) *امثال القرآن*، تهران: بنیاد قرآن.
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۶۸) *فرهنگ بلاغی-ادبی*، تهران: اطلاعات.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳) «بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی»، *بیناب*، شماره ۵ و ۶.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۳۷۶) *بیج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، تهران: امیر کبیر.
- شیخ صدوق، محمد بن بابویه. (۱۳۶۲) *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- صباغی، علی. (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۳۸.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵) *دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- میر تاج الدینی، محمدرضا. (۱۳۷۶) *اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- میرزایی، فرامرز و ماشاء الله واحدی. (۱۳۸۸) «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، *ادب و زبان فارسی*، شماره ۲۵.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶) «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، *فصلنامه شناخت*، شماره ۵۸.
- _____ . (۱۳۸۸) «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی»، *پژوهشگاه فرهنگستان هنر*، شماره ۱۲.
- نراقی، محمدبن ابی ذر. (بی تا) *جامع السعادات*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هاشمی، احمد. (۱۴۱۰ ق) *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، قم: مرکز نشر، چاپ دوم.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۸۲) *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: مؤسسه نشر هما، چاپ بیست و یکم.